



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۲۴ دسمبر ۲۰۲۲

حمید انوری

"سوزِ دل، اشکِ روان، آهِ سحر، نالهٔ شب"

هموطنی طی یک "شکاری" از قلم مکرر خویش، داد سخن داده و گویا دلی به حال طبقهٔ نسوان کشور سوختانده و چند چرند و پرند را قطار کرده و در جایی از آن چنین قلم فرسائی کرده است:

"...اگر این نیمه، آگاه و بیدار میبود، ما دیگر طالب متحجر، مجاهد وطن فروش و دزد و قاچاقبر بسیار به ندرت میداشتیم..."

این "ارشادت قیمت بها" که از مغز متعفن یک پرچی شرف باخته تراوش کرده است، این کمترین را به یاد یک شعر شیرین حافظ شیرین سخن انداخت که چنین بود:

سوزِ دل، اشکِ روان، آهِ سحر، نالهٔ شب

این همه از نظرِ لطفِ شما می بینم

دور نمی رویم و به سالهای هشتاد برمیگردیم که کودتاچیان هفتم ثوری، به فرمان اربابان روسی شان دست به یک کودتای خونین زدند و از همان روز و روزگار، تا همین دم، آب خوش و راحت از گلوی هیچ افغان فرو نرفت و دمار از روزگار افغانها بدر آوردند و خاک پاک افغانستان عزیز را به توبره کردند و جوی هائی از خون فرزندان غیور این مرز و بوم جاری ساختند و... و هر آنچه از نامردی و نامردمی در جهان خاکی وجود داشت، از "یمن" همان کودتای خونین و ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ بود که تا امروز دمار از روزگار مردم دربند کشیده شده افغانستان بدر آوردند و امروز که این شرف باخته ها با هزار و یک ترفند تقلا میکنند، جنایات هفتم ثوری ها را زیر پردهٔ ضخیم و سیاه و خونین بپوشانند، در حقیقت به شعور سیاسی و تاریخی و حافظهٔ مردم مظلوم افغانستان، دیده به دانسته، سخت توهین روا میدارند.

به این مغز خر خورده ها باید تفهیم کرد که هر آنچه مردم دربند کشیده شده افغانستان از نامردی و نامردمی در چهل و چند سال پسین میکشند، از "یمن" همان کودتای ننگین و کودتایان شرف باخته خلقی- پرچمی است و باز هم بگفته حافظ شیراز:

سوز دل، اشک روان، آه سحر، ناله شب

این همه از نظر لطف "کودتایان" می "بینیم"

شما بی ننگان تاریخ هرگز حق و اجازه ندارید که به "مجاهدان" واقعی و اصلی، این فرزندان سرافراز افغان زمین، تحت هر نام و اسم و رسمی که در مخیله مریض تان میگذرد، توهین کنید. اگر منظور نظر شما بی ننگان تاریخ، از "مجاهد"، همان افراد و اشخاصی باشند که در بعد از کودتای هشتم ثور با خلقی ها و پرچمی ها به حمله رفتند، آنان هرگز مجاهد نبودند، بلکه یک مشت سوداگران جهاد بودند که پس از کودتای منحوس هشتم ثور ۱۳۷۱، دوستان و رفیقان جاناجانی شما شدند و در تبنای باهم نه تنها تمام جنایات تان را خودبخشی کرده و خمی هم بر ابرو نیاوردید، بلکه تلاش ورزیدید در تبنای دیگری با فرد فرومایه دیگری بنام "حامد کرزی"، تاریخ کشور را نیز مسخ کنید، تا باشد؛ پرده ای کشیده باشید بر جنایات بی حد و حصر تان، از هفتم ثور ۱۳۵۷ تا هشتم ثور ۱۳۷۱.

اگر تنظیم های ساخت پاکستان و ایران "وطن فروش" بودند، در تبنای با یک مشت زبردان گریختگی خلقی و پرچمی بود. اگر **"طالب متحجر، مجاهد وطن فروش و دزد و قاجا قبر"** را مردم افغانستان تجربه کرده و میکنند هنوز، باز هم از "یمن" همان جنایات و جنایتکاران هفتم ثوری ها است.

کاش ذره وجدان در وجود بی وجود تان باقی می بود که در پهلوئی تمام تحقیر ها و توهین ها به "مجاهد" و...، باری به وجود بی وجود خود هم نظری می انداختید و این شعر پرمغز را به یاد می آوردید که:

مزرعه سبز فلک دیدم و داس مۀ نو

یادم از کشته خویش آمد هنگام درو

بلی! خانم ها و آقایان که هرگز اصلاح پذیر نیستید و از هر فرصتی استفاده میکنید تا گویا برف بام خود را به بام همسایه بیندازید، اگر شماها در همان زمان که با دستور اربابان روسی تان در کشور ما دست به کودتا زدید، جرم و جنایت و خطا و خیانت و جاسوسی و پستی و پلشتی پیشه نمی کردید، اگر در آن زمان "گندم" کشت می کردید، امروز گندم درو میکردید. ولی و اما و مگر شما خانم ها و آقایان زبردان گریختگی در آن عصر و زمانه و در آن دوران شوم و سیه و تاریک، حتی اگر یک "جو" هم کشت می کردید، امروز لااقل جو درو می کردید. در آن دوران شوم و خونین و

ننگین، هر آنچه شما ها کشت کردید، پستی بود و پلشتی، جرم بود و جنایت، خطا بود و خیانت، تفرقه بود و تبعیض، بی اعتمادی بود و جاسوسی، قاچاق بود و توهین و تحقیر و تریاک و ترفند و...

و اگر بعد از سقوط شرم آور تان و اضمحلال حزب منفور و مردود تان و فروپاشی کشور شورا ها و منبع و مرجع امید های واهی تان، تا همین دم هر آنچه در کشور در بند کشیده شده ما میگذرد، و از سرازیر شدن "مجاهد" و طالب و ملا و چلی گرفته تا دموکرات و از قاچاقچی گرفته تا دزد سرگردنه و از "طالب متحجر، مجاهد وطن فروش و دزد و قاچاقبر" گرفته تا برگشت دوباره طالب و...، همه و همه حاصل آنچه است که شما ها در آن زمانه ها در سرزمین بلا رسیده ما کشت کرده بودید و مردم بخت برگشته افغانستان همان "کشت" های شما را هنوز هم درو میکنند.

چگونه باید امید داشت که بعد از "کشت" تخم تفرقه و تبعیض و تنفر و تظلم و...، امروز باید حاصل اتحاد و اتفاق و اعتماد و همدگر پذیری و مدارا و...، درو کنیم؟!

امروز اگر طالب درب تعلیم و تحصیل را به روی بیشتر از نیم نفوس افغانستان ویرانه می بندد، دیروز که شما ها در قدرت بودید، مکاتب و پوهنتون ها و حتی کودستان ها را مهد جاسوسی و خبرچینی ساخته بودید و...

باز هم بگفته شاعر:

خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

اگر در چهل و چند سال پسین "مجاهد" و "طالب" و "دموکرات"، دمار از روزگار مردم مظلوم افغانستان بدر آوردند، همه و همه حاصل همان خشتی است که کودتاچیان پلید هفتم ثوری، با شقاوت و ددمنشی و قتل و کشتار و زندان و زنجیر و زولانه و شکنجه و جاسوسی و وطن فروشی و...، کج گذاشتند و این بنای کهن از همان دقایق کج بنا یافت، کج رفت و کج می رود هنوز و تا دستان ناپاک شماها به گونه های مختلف در سرنوشت این مرز و بوم، پیدا و پنهان در کار است، این کشور روی خوبی را و روی صلح و باهمی را و روی آرامش و اعتماد را هرگز نخواهد دید.

هر اندازه که در مورد سرنوشت افغانستان و مردم مظلوم افغانستان قلم فرسائی کنید، به همان اندازه "چلو صاف تانرا از آب خواهیم کشید".

متحجر شما ها هستید خانم ها و آقایان، وطن فروش شماها هستید خانم ها و آقایان و دزد و قاچاقبر هم شماها هستید خانم ها و آقایان. اگر شماها به اشاره و کمک ارباب پست و پلید روسی تان در

کشور ما کودتا نمی کردید، امروز نه از "مجاهد" خبری می بود و نه هم از طالب، نه از کرزی اثری می بود و نه هم از غنی، نه از عبدالله خبری می بود و نه هم از کج کلاه و نه هم از اینهمه سرمایه داران فراری که یک شبه به همه چیز رسیدند و یک شبه هم با همه چیز فرار کردند و امروز از دور و از آغوش اربابان خارجی شان فریاد و غوغا دارند و مشغول خودفروشی و وطن فروشی از راه دور هستند. درست مثل و مانند رفقای خلقی و پرچمی شان. اگر هموطنانی مایل به مطالعه چرند های یاد شده باشند، به این لینک کلیک کرده و وقت گرانبهای خود را هدر دهند. اختیار به خودشان: [ممنوعیت تحصیل زنان](#)

از مکافات عمل غافل مشو گندم ز گندم بروید، جو ز جو